

بررسی خانواده و ازدواج در دوره قاجار با تکیه بر سفرنامه‌های خارجی

سمانه داوودی ۱، سید علیرضا ابطی ۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده انسانی، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد

Samaneh.dv41@gmail.com

۲. استادیار، دانشکده انسانی، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد

Abtahi1342@yahoo.com

چکیده

امروزه در تحقیقات و گروه‌های تاریخی، به‌ویژه تاریخ اجتماعی جایگاه خانه و خانواده اهمیت زیادی دارد. خانواده عبارت است از مجموعه‌ای از افراد که به واسطه‌ی روابط سببی (عقد و ازدواج) یا نسبی (والدین، فرزندان، خواهر، برادر) به یکدیگر پیوند خورده‌اند. اینکه بینش حاکم بر سفرنامه نویسی در خصوص مسائل اجتماعی از جمله ازدواج و خانواده چه بوده است، همچنین ازدواج و خانواده در دوره قاجار از منظر سیاحان و سفرنامه نویسان اروپایی که از ایران دیدار داشته‌اند چه جایگاهی داشته و کدامیک از آداب و رسوم ازدواج و کارکردهای خانواده توجه سیاحان و سفرنامه نویسان خارجی را بیشتر به خود جلب کرده است، از جمله مواردی که تلاش شده است، در این پایان‌نامه با استفاده از سفرنامه‌های ترجمه‌شده به فارسی و به روش تحقیق تاریخی و شیوه توصیفی تحلیلی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

از جمله مواردی که مورد توجه سیاحان قرار گرفت اوضاع اجتماعی مردم بود. این اطلاعات در رابطه با موضوع این رساله و در مورد بررسی خانواده و ازدواج در دوره قاجار با تکیه بر سفرنامه‌های خارجی است به مسائلی مانند خواستگاری، مهریه، جهیزیه، شیربها، بله‌بران، حنابندان و رسومی از این دست در بین مناطق مختلف و اقشار گوناگون پرداخته است. در نظر سیاحان هیچ‌چیزی شگفت‌انگیزتر از مراسم عروسی ایرانیان نمی‌توان یافت. همچنین آداب روزهای عروسی، به حدی برای آن‌ها جالب بود که نمی‌توانستند آن را به سکوت برگزار نمود. اغلب سیاحان اروپایی پس از دیدار از ایران و مشاهده آداب و رسوم ایرانیان به مقایسه و ارزیابی این آداب و رسوم در بین مردم ایران و مردم کشورهای خود دست‌زده‌اند و عمدتاً با دیدی اروپایی و تا حدی انتقادی نسبت به آداب و رسوم ایرانیان در باب ازدواج و تشکیل خانواده نگرسته‌اند.

واژگان کلیدی: ازدواج، خانواده، قاجار، سیاحان اروپایی، سفرنامه

A Study of Marriage and Family in the Qajar Era, Relying on Foreign Travelogues

Samaneh Davodi ¹, Sayed Alireza Abtahi ²

¹. Master of Science Student, Faculty of Humanities Department of History, Islamic Azad University Najafabad

Email: Samaneh.d¹@gmail.com

². Assistant Professor, Faculty of Humanities Department of History, Islamic Azad University Najafabad

Email: Abtahi²@yahoo.com

Abstract

Nowadays in the historical groups and researches, especially the social history, the position of home and family is very important. family means a set of people who have linked to each other by casual relationships (contract or marriage) or relative relationships (parents, children, sister, brother). In this thesis, some items have been studied by using the itineraries translated into Persian using historical research and the descriptive-analytical method including the dominant insight of itinerary writing about the social problems such as marriage and family, the point of view of European travelers and itinerary writers who has visited Iran about marriage and family in Qajar era, and which one of the marriage customs and family functions has attracted more attention of the foreign travelers and itinerary writers. One of the items to which paid attention by the travelers was the social conditions of the people. This information is related to the title of this thesis and discusses the investigation of family and marriage in Qajar era based on the foreign itineraries. It addresses issues such as suit, dowry, Shirban (some money given to the daughter's mother), Baleh Boran, henna ceremony etc., and similar customs among different parts and populations. The travelers believe that nothing is stranger than the Iranian wedding ceremony. In addition, the customs of the wedding days were so interesting for them that they could not hold it silently .

Keywords: marriage, family, Qajar, European travelers, itinerary

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

۱- مقدمه

یکی از مهم ترین تغییرات اجتماعی اساسی که در طول تاریخ گذشته از دوره قاجاری در ایران رخ داده تحولات مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده است. این تغییرات شامل تحول در شکل و سن ازدواج، نوع خانواده و عوامل مؤثر بر آن است. در جامعه عهد قاجار بر اساس سنت پیش از اسلام، بین کودکی و ازدواج دختران فاصله زیادی نبود. سن ازدواج روستاییان و عشایر کم تر از شهرنشینان بود، که این ازدواج ها در چندین مرحله صورت می گرفته است. ازدواج و تشکیل خانواده از موضوعات مسلم قابل جوامع مختلف از جمله ایران است. به نظر می رسد که در ایران باستان تا دوره قاجار خانواده علی رغم تحولات مختلف جایگاه خود را حفظ کرده اینکه خانواده ایرانی در دوره قاجار چه وضعیتی داشت و چه تغییر و تحولی پیدا کرد و مراسم ازدواج در بین اقشار و مناطق مختلف چه وضعیتی داشت و چه مسیری را طی کرد، مطالبی است که تلاش می شود که با تکیه بر اطلاعات موجود و از خلال سفرنامه های نگاشته شده توسط سیاحان خارجی که در دوره قاجار به ایران آمده و با نگاه دقیق و تیزبینانه خود اطلاعات ذی قیمتی در اختیار گذارده اند روشن شود.

سفرنامه ها گنجینه ای از اطلاعات هستند که از طریق آن ها گاه می توان به واقعیت هایی از وضع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی از تاریخ مردم یا منطقه ای پی برد که دستیابی به آن ها از طرق کتب تاریخی میسر نیست. در این پژوهش تلاش بر این است تا با مطالعه و استفاده از سفرنامه های موجود می توان به مراحل مختلف ازدواج و تشکیل خانواده که از نظر سیاحان اروپایی جالب توجه بود پی برد و همچنین به مراسم ازدواج و آداب رسوم آن در بین اقشار و نقاط مختلف با استفاده از روش تاریخی و شیوه توصیفی و تحلیلی پی برد. به نظر می رسد که ازدواج و خانواده در دوره قاجار به تدریج تحت تأثیر شرایط به وجود آمده و آشنایی ایرانیان با اروپا و غرب تأثیرات زیادی گرفته و از حالت گسترده و متنوع روزبه روز فاصله گرفته شفاف یافت. این پژوهش می تواند دیدگاه سفرنامه نویسان اروپایی در مورد خانواده و ازدواج در ایران را بازنمایی کند، زیرا آن ها به دلیل اینکه از جایگاه فرهنگی متفاوتی به مسائل می نگریستند به مواردی اشاره می کنند که دیگران به آن ها کمتر توجه داشته اند.

در این باره تاکنون پژوهش تاریخی منسجم و مستندی صورت نگرفته است. از همین رو نگارنده کوشیده است از منابع مختلفی مثل سفرنامه های غیر ایرانیان و خاطره نگاشته های ایرانیان در دوره قاجار و سایر آثاری که رویکردی مردم شناسانه داشته اند بهره جوید تا دریچه ای تازه ای به سوی موضوع سبک خانواده و ازدواج ایرانی - اسلامی بگشاید.

۲- روش تحقیق

این پژوهش از نظر روش و ماهیت در ردیف تحقیقات تاریخی قرار می گیرد و با گردآوری آوری اطلاعات مورد نیاز برای به نگارش درآوردن این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی استفاده می شود، یعنی ضمن توضیح درباره موضوع مورد نظر برخی تحلیل های مورد نیاز نیز ارائه می گردد. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و با بهره گیری از سفرنامه های ترجمه شده از دوره قاجار صورت خواهد گرفت. بیشتر سفرنامه های دوران قاجار از جنبه های گوناگون اهمیت دارد.

برخی از سفرنامه نویسان این دوره با توجه به مقام علمی، فرهنگی یا سیاسی خود، به مردم و فرهنگ ایران از جنبه های مادی و معنوی توجه بیشتری کرده اند، به ویژه افرادی که در کشور خود صاحب منصب و مقامات مهم دولتی بوده اند؛ حتی بعضی از آن ها با

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

تخصص و سابقه پژوهش در زمینه‌های خاص، اعتباری جهانی دارند. از جمله می‌توان به کنت دوگوبینو، جرج لرد کوزن، ادوارد براون، دکتر فوریه و ویلیام جکسن اشاره کرد (سپنجی، ۱۳۸۸، ۱۱).

۳- زن ایرانی در دوره قاجار از منظر سفرنامه‌های خارجی

علاقه به نوشتن سفرنامه یا خاطره نه تنها از سوی وزرای مختار و کارداران و سفرا مشاهده می‌شود، بلکه از جانب کسانی چون لیدی مری شیل همسر جستن شیل وزیر مختار انگلیس، مادام کارلاسرنا از مردم ایتالیا و کلارا کولیور رایس در اوایل دوره ناصرلی خاطراتی ارزنده به رشته تحریر درآمده است. این سفرنامه‌ها علیرغم وجوه مشابهش با سایر منابع خارجی چون قضاوت‌هایی نادرست در مورد اوضاع سیاسی و اجتماعی و خوی و خصلت ایرانیان، تفاوت زاویه نگاهشان را به‌عنوان یک زن اروپایی به زن ایرانی ارائه می‌دهند (سپنجی، ۱۳۸۸: ۱۲).

۳-۱- نگاه لیدی شیل به زنان ایران در دوره قاجار

از نخستین موارد مورد توجه خانم شیل، زندگی یکنواخت و بدون تنوع زنان ایرانی است که این علیرغم فقدان نهادهای مدنی و فرهنگی و فضای آزاد و قابل تحرک جای شگفتی و تعجب به جای نمی‌نهد. وی در زمان رفتن به حضور مادر شاه نحوه عبور زنان مهم و طبقات بالای اجتماع را از کوچه و بازار تجربه کرده و مادر شاه را به‌گونه‌ای توصیف می‌کند که هم در عرصه سیاسی و هم در اداره امور اندرونی از همسران شاه گوی سبقت می‌رباید. زنان متعدد شاه و تشکیلات جداگانه آن‌ها از دیگر نکات ذکر شده در خاطرات خانم شیل است (شیل، ۱۳۶۲: ۲۲).

نویسنده وضعیت مطلوب‌تر زنان عشایر و روستایی را در خانواده به سبب فرمان‌بری مردان از آن‌ها نسبت به زندگی زنان شهری و حاکمیت روحیه مردسالارانه در خانه می‌ستاید (محرمی، ۱۳۸۹: ۸۸).

شیل زنان طبقات مرفه را اکثراً باسواد توصیف می‌کند. آن‌ها اوقات فراغتشان را با شعر و قرآن و ادب می‌گذرانند. آرزوی آوردن پسر برای زنان جوان، بیماری‌های کودکان در سنین پایین و کاهش رشد جمعیت بر اثر مرگ‌ومیر زود کودکان، گرفتن دایه برای فرزندان، بخش دیگری از خاطرات نویسنده مذکور را شامل می‌شود نکته قابل توجه در این بخش میل زن ایرانی به یافتن کار به‌ویژه برای پرستاری بچه است. این مورد می‌تواند نشانگر تکاپوی زنان برای دستیابی به حمایت و امنیت مالی باشد البته خانم شیل در این مورد سعی کرده اهمیت انگلیسی‌ها را در جامعه ایران به‌ویژه از نظر زنان ایرانی به‌گونه‌ای اغراق‌آمیز جلوه دهد و تمایل آن‌ها را به کار نه از سوی اقشار کم‌درآمد و پایین اجتماعی بلکه از سوی دیگر طبقات که نیاز چندانی به منفعت مادی نداشته‌اند، نشان دهد.

۳-۲- نگاه کلارا کولیور رایس به زنان ایران در دوره قاجار

راه و رسم زنان ایرانی نام سفرنامه‌ی خانم کلارا کولیور رایس است. این کتاب وقایع بین نود تا صد سال قبل در ایران را بیان می‌کند. کودکان (دختران) ایرانی بر پایه آداب و رسوم چه در شهر و چه در روستاها از هشت‌سالگی برای ازدواج آماده می‌شدند. تا

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

در سن ده تا سیزده سالگی به خانه‌ی شوهر بروند. معمولاً این ازدواج‌ها با مردانی مسن انجام می‌گرفته، چون مردان با سن بالا را بهتر برای زندگی می‌یافتند. این زنان که اسیر زندگی اجباری می‌شدند در صورتی که فرزند پسر به دنیا می‌آوردند می‌توانستند تا حدودی راحت زندگی کنند، ولی اگر بخت با آن‌ها یار نبود و فرزند آن‌ها دختر می‌شد و یا نمی‌توانستند باردار شوند باید شرایط وحشتناکی را تجربه می‌کردند که شاید حیوانات از این زنان بارزتر بودند (کولیور، ۱۳۶۶: ۵۴). تعداد زیاد فرزند و عدم بهداشت فردی این زنان را فرتوت و معمولاً در جوانی از بین می‌رفتند. ازدواج در کودکی زنان را دچار بیماری و مرگ بسیار زودرس می‌کرده است. زندگی با هووها زنان را به بیماری‌های روحی و افسردگی دچار می‌کرده است. بی‌سوادی و شرایط بد زندگی باعث می‌شده است که زنان را بچه، نادان، عصبی مزاج و کج خلق بدانند (کولیور، ۱۳۶۶: ۸۲). حجاب زنان شهری سخت‌تر از حجاب زنان روستایی است. زنان شهری با چادر چاقچور و روبنده‌ای که کامل صورت آن‌ها را می‌پوشاند در صورت اجازه همسر اجازه ورود به محل‌های عمومی را داشتند (کولیور، ۱۳۶۶: ۹۰).

زنان روستایی باحجابی که فقط چشم آن‌ها پیداست در عرصه‌ی کار و فعالیت بیشتر از زن شهری وجود دارند. زنان عشایر قدرت بیشتر و شرایط بهتری را نسبت به زنان شهری دارا هستند. هر جا که زنان مشارکت اقتصادی با مردان دارند از نظر موقعیت شرایط بهتری را دارند. در روستاها که زنان به کشاورزی و قالی‌بافی و فعالیت اقتصادی مشغول هستند کمتر از زنان شهری که فقط به خانه‌داری می‌پردازند مورد زورگویی واقع می‌شوند (کولیور، ۱۳۶۶: ۹۶). زنان شهری که از نظر شرایط اقتصادی در وضعیت بهتری هستند کمتر از زنان طبقات پایین مورد ستم هستند. چون دارایی که از طریق ارث به آن‌ها می‌رسیده است متعلق به خودشان بوده امکان مدیریت بر اموالشان را داشته‌اند (کولیور، ۱۳۶۶: ۹۹).

۳-۳- نگاه کارلاسرنا به زنان ایران در دوره قاجار

سفرنامه کارلاسرنا، نیز نوشته مادام کارلاسرنا از مردم ایتالیا است. به گفته خودش در سال ۱۲۹۴ ه ق پس از سیر و سیاحتی دور و دراز و خسته‌کننده در قفقاز به شهر باکو می‌رسد و بیمار می‌شود، چون ضعف مزاج مانع از آن بوده است که برای بازگشت به اروپا بار دیگر راه تفلیس را پیش گیرد. برای رهایی از هوای ناخوش باکو و اعاده سلامت به توصیه کسانی، مصمم می‌شود که به سواحل ایران که هوایش شبیه ناپل ایتالیا است سفر کند. وی در اواسط دوره ناصرالدین‌شاه به ایران می‌آید و راجع به ایران مطالب بسیاری را در سفرنامه خود منعکس می‌کند (کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۴).

کارلاسرنا از مهمانی‌هایی حرف می‌زند که زنان با شرکت در آن مجالس، غرق در شادی و تفریح هستند و لحظاتشان را باحالت یکنواختی و یا بدون تنوع به سر نمی‌برند. کارلاسرنا حدود چهارده صفحه از مهمانی که در دربار شاهزاده خانم عصمت الدوله بوده حرف می‌زند و چنان با شوق و شغف از این مهمانی تعریف می‌کند که گویی تا به حال به چنین مهمانی‌هایی نرفته است. می‌توان از صحبت‌های این سفرنامه نویس اروپایی این نتیجه را گرفت که در مسیر خود آنچه را که دیده و شنیده‌اند را ثبت کرده و آن را به کل فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان تعمیم می‌دهد. در جایی دیگر کارلاسرنا نوع پوشش زنان روستایی را که کمی راحت‌تر از زنان شهری آن را رعایت می‌کنند را نوعی بی‌باکی زنان در مقابل مردان قلمداد می‌کند (شیل، ۱۳۶۲: ۱۷۶).

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

عدم آگاهی از فرهنگ و آداب و رسوم ایران مانع از قضاوت درست در نزد این خانم اروپایی شده است و نمی‌داند که این نوع پوشش در زنان روستایی جزئی از فرهنگ آن منطقه به حساب می‌آید. کارلاسرنا نیز تنها در یک مورد زنان را مورد توهین قرار داده است و غیراز آن در هیچ جای دیگر نشانی از توهین و تحقیر به زن ایرانی دیده نمی‌شود. وی می‌نویسد: «اگرچه زنان ایرانی فاقد هرگونه امتیاز و دراکه معرفی شده‌اند بسیاری از آن‌ها بر شوهران تسلط کامل دارند و زن صدراعظم مصداقی از این گروه است» (کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۱۱۲). علاوه بر توهینی که در این جمله مشاهده می‌شود این مسئله جالب توجه است که تسلط بر شوهر در نزد کارلاسرنا از امتیازات زن ایرانی محسوب می‌شود.

۴- جایگاه و مقام زنان دوره قاجار

از نوشته‌های سفرنامه نویسان این طور برمی‌آید که زنان ایرانی از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند و این موضوع به خصوص در مورد زنان شهری و روستایی بیشتر صدق می‌کند. چراکه در بین این گروه‌ها، زن جزئی از دارایی شوهر به حساب می‌آمد و او این حق را برای خود قائل بود که هرگونه که می‌خواست با او رفتار کند و حتی این مسئله صورت قانونی و شرعی هم به خود گرفته بود و زن چاره‌ای جز تسلیم شدن در برابر مرد نداشت. (رایس، ۱۳۶۶، ۷۷). هم‌چنین در جامعه‌ی ایران توانائی‌های زن نادیده گرفته می‌شد و اهمیتی به تحصیلات او نمی‌دادند و در هر شرایط تحت ظلم و ستم قرار گرفته بودند و از جایگاهی که شایسته‌ی آن بود دور نگه‌داشته شده بود (رایس، ۱۳۶۶: ۷۹-۷۸). رایس عنوان می‌کند که اگر دیدگاه جامعه‌ی ایرانی نسبت به زنان عوض شود، باعث برتر شدن جایگاه این کشور در میان سایر ملت‌ها می‌شود. «نگرش مردان نسبت به زنان باید دگرگون شود اگر ایران بخواهد جایگاه برحق خود را در میان ملل خاورمیانه باز یابد به روشنی ذهن و دل برای زنان و مردان آن ضروری است.» (رایس، ۱۳۶۶، ۳۴). زنان روستایی هم در جایگاه مناسبی نبودند و پیدا کردن زن روستایی که توان خواندن و نوشتن داشته باشد یک امر استثنایی به شمار می‌رفت. آن‌ها هیچ‌گونه ارتباطی با محیط خارج خود نداشتند و از دنیای اطراف، تنها از رویدادهای کوچک جهان خبردار می‌شدند و بسیاری از آن‌ها حتی سن و سال فرزندان خود را هم نمی‌دانستند (رایس، ۱۳۶۶، ۵۰). آنان سواد خواندن و نوشتن نداشتند و کتاب و روزنامه به‌ندرت ممکن بود در بین زنان روستایی دیده شود و در چنین روستاهایی اندیشه و زندگی زنان محکوم به این بود که بدون هیچ‌گونه تحولی ادامه پیدا کند (رایس، ۱۳۶۶، ۵۴).

رفتار مردان با زنان ایرانی حقارت آمیز بود و نسبت به آن‌ها بی‌اعتنایی می‌شد چه شیفته‌ی آن‌ها بودند و چه به آن‌ها رغبتی نداشتند در هر دو صورت وضعیت یکسان بود و در مورد هر مسئله‌ای ناچیز که برخلاف میل مرد بود زنان را به باد کتک می‌گرفتند و یا حتی در موارد کمتر آن‌ها را طلاق می‌دادند (اولیویه، ۱۳۷۱، ۸۶). موقعیت زنان پس از ازدواج نیز با فرزند پسر مشخص می‌شد و آنان برای تثبیت وضعیت آینده‌ی خود و بالا بردن ارزش و اعتبار خود باید چندین پسر به دنیا می‌آوردند. زیرا زائیدن فرزند دختر برای آن‌ها هیچ‌گونه ارزشی به وجود نمی‌آورد، چون کسی برای دختر ارزشی قائل نبود (شیل، ۱۳۶۲، ۹۲). منبعی دیگر هم عنوان کرده که ایرانیان داشتن دختر را دوست نداشتند و اگر زن بارداری فارغ می‌شد، اگر فرزند پسر بود پدر بر خود می‌بالید ولی اگر دختر بود غرق غم و اندوه می‌شد حتی کمتر در مورد او صحبت می‌کرد (گاسپارو، ۱۳۳۷، ۵۳). این دیدگاه که به دختران

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

اعتنایی نمی کردند، متعلق به تمام جامعه‌ی ایرانی بود و در بین مردم برای این مسئله که کوچک‌ترین نقطه ضعف به حساب می آمد، با تعصب و کینه‌ی زیاد به آن نگاه می کردند . (سرن، ۱۳۶۲، ۲۹۷).

بروگش یکی از سفرنامه نویسانی است که از جاهای مختلفی من جمله ترکیه و ایران دیدن کرده و با مقایسه‌ی وضعیت زنان این دو کشور یکسری مطالبی را عنوان می کند و معتقد است که زنان ایرانی از موقعیت بهتری نسبت به زنان ترکیه برخوردار بودند، چراکه آن‌ها توانایی خواندن و نوشتن و روخوانی از قرآن را داشتند و حتی زنانی بودند که با ادبیات کشور خود آشنا بودند و شعر هم می گفتند، اما در میان زنان ترکیه چنین افرادی دیده نمی شد. (بروگش، ۱۳۶۷، ۲۰۱).

درعین حال که وضعیت زنان شهری و روستایی در ایران رضایت بخش نبود ولی وضعیت زنان قبایل چادر نشین خیلی متفاوت از آن دو گروه بود چراکه «بختیاری‌ها بیش از اندازه به زن‌ها احترام می گذارند و به همین خاطر هم آنان همیشه بدون ترس و دغدغه خاطر به هر نقطه‌ای از خاک بختیاری که بخواهند سفر کنند، حتی در بحبوحه جنگ و ستیزهای ایلی هم بختیاری‌ها حریم آن‌ها را پاس دارند و با آن‌ها با احترام رفتار می کنند.» (بیشوب، ۱۳۷۵، ۱۶۴).

این یک واقعیت بود که زنان عشایر نقش مهمی در میان قبایل خود داشتند و درواقع ستون فقرات و محور اصلی هرگونه تلاش و کوشش بودند و زنان ایل بدون اینکه هیچ گونه فعالیت چشمگیری داشته باشند به موقعیتی رسیده بودند که حتی زن‌های کشورهای غربی نیز به حال آن‌ها غبطه می خوردند (مکین روز ۱۳۷۳، ۱۶۳).

۵- نقش زنان در دوره قاجار

نقش زنان در دوره قاجار را می توان را در زمینه‌های مختلف از جمله وظایف زن در خانه، نقش زن در تولیدات اقتصادی، فعالیت فرهنگی زنان و شرکت در ایام عزاداری نام برد. مراقبت از کودکان از جمله وظایف مهم زنان بود، هر زن ایرانی غالباً فرزندان بسیاری به دنیا می آورد (پولاک، ۱۳۶۱: ۶۷). به دلیل ازدواج‌های زودرس اغلب زنان در سن سی سالگی مادر بزرگ می شدند. وظایف مادری برای مادران در عهد قاجار با توجه به ازدواج زودرس فرزندان محدود به چند سالی بود، به قولی، کودکان فقط تا سن ۱۱ تا ۱۲ سالگی زیر دست مادر، بزرگ می شدند (دروویل، ۱۳۴۸، ۱۵۴). خانم "کارلسرنا" در مورد کدبانوگری زنان ایرانی می نویسد: خانم-های ایرانی در تهیه مربا و شیرینی سلیقه خاص و طولانی دارند. اغلب اوقات وقتی که آن‌ها برای دیدار کسی می روند، به عنوان ابراز محبت مقداری از شیرینی‌های دست پخت خود را پیشاپیش می فرستند. خدمتکاران، آن‌ها را در سینی‌هایی که رویش روپوش قلاب‌دوزی شده انداخته شده است، به خانه دوست مورد نظر می بردند (سرن، ۱۳۶۳: ۷۷).

زنان در عهد قاجاریه، خواه از طریق تولید برای خانواده و خواه تولید برای امرار معاش نقش مهمی در معیشت خانواده ایفا می کردند؛ این نقش در اقتصاد کشور بی تأثیر نبود. استفاده از نیروی جسمی زنان، در تولیدات دام پروری و کشاورزی بود. در میان قبایل ترکمان، ازدواج با زنان بیوه، به دلیل تجربیاتی که آنان در قالی بافی و دام پروری داشتند، از اولویت بیشتری برخوردار بود. یکی از مهم ترین کالاهایی که زنان نقش مهمی در تولید آن داشتند قالی بوده است. در واقع در دوره قاجار، بیشتر زنان با تولید این کالا آشنایی داشتند و قالی‌هایی که از سوی زنان در شهرهای اصفهان، کرمان، همدان، شیراز، مشهد، اردبیل، کرمانشاه و تبریز تهیه می گردید، از شهرت بیشتری برخوردار بودند. قالی‌های ایرانی در عهد قاجاریه، دارای چنان کیفیت و شهرتی بودند که راهی

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

بازارهای جهانی می‌شدند. قدر و قیمت یک زن تا حد زیادی بر اساس مهارت‌های تولیدی او مشخص می‌گردید. هر دختری بعد از دواج فرش دستبافت خود را به خانه شوهر می‌برد، تا از طریق دقت و حوصله‌ای که در آن به خرج داده، حوصله و وفاداری او نسبت به همسرش معلوم گردد. (دالمانی، ۱۳۲۵: ۱۲۵)

عده محدودی از دختران این امکان را داشتند که در محدوده خانه با استفاده از اعضای باسواد خانه مثل پدر یا برادر به آموختن سواد بپردازند. دختران عامه اجتماع از طریق مکتب‌خانه‌ها موفق به آموختن سواد می‌شدند. ارتباط زن ایرانی با هنر نمایش را اواخر دوران مظفری می‌داند. یعنی زمانی که "تاج‌ماه آفاق‌الدوله" به ترجمه نمایشنامه "نادرشاه" می‌پردازد. برای اولین بار در زمان سلطنت "احمدشاه" زنان ارمنی بازیگری در تئاتر را آغاز کردند، آن‌ها نه تنها در مجامع خصوصی و یا دربار بلکه برای عموم نیز نمایش اجرا می‌کردند (ملک پور، ۱۳۸۶: ۱۰۳). استفاده از معلمان سرخانه و مکتب‌خانه، از شایع‌ترین راه‌های آموزش دختران در اجتماع عهد قاجار بود. اما از آنجاکه طبقات محروم، استطاعت پرداخت حق‌الزحمه معلمان سرخانه را نداشتند، این معلمان بیشتر در خدمت زنان و دختران خاندان‌های درباری و اشراف قرار می‌گرفتند بنابر شواهد موجود، زنان حرم‌سرای شاهی، از دوران فتحعلی شاه تا اواخر دوران قاجار، از طریق معلمان سرخانه به سوادآموزی پرداختند و در این زمینه، از شخصی به نام آخوند طالقانی، به‌عنوان معلم خصوصی دختران فتحعلی شاه یاد شده است. به‌طور دقیق مشخص نشده است که دختران درباری و خاندان‌های اشرافی، جز شرعیات و فراگیری قرآن، از معلمان خود چه می‌آموختند؛ اما قدر مسلم این است که آنان از رهگذر همین آموزش‌ها قادر می‌شدند تا ضمن نوشتن، کمابیش به مطالعه دواوین رایج شعریایی چون حافظ، فردوسی و سعدی بپردازند. شیل درباره وضع سوادآموزی زنان مرفه‌الحال جامعه، گزارشی مبالغه‌آمیز ارائه می‌دهد: «زنان طبقات مرفه معمولاً باسواد و با شعر و ادب مملکت خویش آشنایی دارند و اغلب آنان قرائت قرآن، نه معنی آن را، می‌دانند. در میان زن‌های ایل قاجار و بخصوص خانواده سلطنتی تعداد افراد باسواد خیلی کم است. اکثر آن‌ها مکاتبات خود را شخصاً و بدون کمک میرزاها می‌نویسند» (شیل، ۱۳۶۸: ۷۹).

فعال‌ترین بُعد حضور اجتماعی زنان در دوره قاجار شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم، روضه‌خوانی و نمایش‌های تعزیه بود. مشاهده مراسم نمایشی تعزیه که در واقع بازسازی حوادث خونین عاشورای حسینی بود، از علایق وصف‌ناپذیر زنان بود. کسب اجر اخروی نیت برای توبه از معاصی، افزودن بر اطلاعات دینی، دیدن رجال سیاسی، روحانیون و مراجع بزرگ و شنیدن مواعظ آن‌ها در کنار بازیگری حزن‌انگیز و دل‌نشین «تعزیه گران»، لذت در جمع، واقع‌شدن و مشارکت در طبخ غذا و تناول آن به‌خصوص برای زنان طبقات محروم از انگیزه‌هایی بودند، که به حضور زنان در این مراسم قوت می‌بخشید (دیولافوا، ۱۳۷۸: ۱۱۱). مشارکت اجتماعی زنان در صحنه‌های اجتماعی همواره با پوشش سخت سنتی و ملاحظات اخلاقی مبنی بر تفکیک زنان از مردان همراه بوده است (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۸۷). وظایف و اشتغال گوناگون زنان در اندرون، هرگز به معنای حبس کامل و محروم بودن مطلق آنان از تماس با اجتماع نبوده است و همواره ضرورت‌ها و دلایلی چند، زنان را به محیط خارج از اندرونی می‌کشاند. از جمله اصلی‌ترین این ضرورت‌ها، تهیه مایحتاج عمومی از بازار بوده است.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

۶- پوشش زنان در دوره قاجار

پولاک درباره پوشش زنان قاجار می‌گوید: «در داخل خانه آرایش زنان غلیظتر و پوشش آنها سبک‌تر و کمتر است. در خانه زن معمولاً سر خود را با پارچه یا شالی می‌پوشاند که گوشه‌های آن از پشت آویزان است و پیراهن، عبارت از پارچه‌ای نازک و ابریشمی به رنگ صورتی یا آبی که گلدوزی شده با حاشیه‌های طلایی می‌باشد (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۰۹). دروویل، نیز در این باره مینویسد: "زنان، سر خود را با پارچه‌ای می‌پوشانند و یا چارقدی بسر می‌اندازند، و غالباً چادرهای شطرنجی سفید و آبی دارند (که از بافته‌های دست خودشان است)". و سپس می‌نویسد: زنان در خانه دو یا سه زیر جامه‌ی کوتاه می‌پوشند (که بتقلید از رقاصه‌های اروپائی در ایران مد شده است) (دروویل، ۱۳۴۸: ۱۸۵). و نیم تنه‌ای هم می‌پوشند که آنرا یل می‌گویند. این نیمتنه، غالباً زردوزی شده، و آستین بلند دارد (که سر آن بشکل مثلث برگشته است و با طلا و مروارید زینت شده است). لباس بیرونی خانم‌های بسیار زشت است. زن ایرانی هنگامیکه می‌خواهد از خانه بیرون برود، باید چاقچور بپوشد. چاقچور شلوار بسیار گشادی است که در مچ پا باریک است و جورابی از همان پارچه به آن متصل است که آنها را می‌پوشاند و روبندی هم در جلوی صورت می‌آویزند (دروویل، ۱۳۴۸: ۱۸۸). دروویل درباره نوع پوشش زنان در زمان فتحعلی شاه قاجار می‌نویسد: "زنان ایرانی در زیر چادر، مهارت عجیبی برای شناساندن خود و شناختن همدیگر دارند، چه بسا مردانی که از کنار زنان خویش می‌گذرند، بی آن که آنها را بشناسد" (دروویل، ۱۳۴۸: ۸۱).

۷- تشکیل خانواده در دوره قاجار

جامعه قاجار مردسالار بود، قبل از ازدواج در اطاعت بی‌چون و چرای پدر، و بعد از آن مطیع شوهرانشان به شمار می‌آمدند. واقعیتی که باید به آن اشاره نمود این است که خود زن را نمی‌توان در این بلایا بی‌تقصیر دانست. وی با عدم اعتماد به استعداد های درونی خود، محبوس بودن و حقیر شمرده شدن را قسمت خویش می‌دانست و تن به تقدیر می‌سپرد. زنان اشراف دل به جعبه جواهرات و آرایش می‌بستند و یا در حال دسیسه علیه هووهای خود بودند و زنان و روستایی نیز با انجام دادن کارهای بدنی سخت در پی به معاش خانواده برمی‌آمدند، و درواقع، ید او قابل احترام بود نه فکرش.

۷-۱- خواستگاری

یکی از مواردی سیاحان درباره مقدمات ازدواج درباره آن بحث و بررسی کرده‌اند، مسئله خواستگاری و آداب و رسوم مربوط به آن بود. سیاحان به اینکه در دوره‌ی قاجار معمولاً ازدواج انتخاب دختر و پسر و مطابق میل آنان، بلکه به رضایت و صلاح دید والدینشان صورت می‌گرفت و از این رو بیشتر دختران پس از ازدواج ناراضی و شاکی بودند، تأکید دارند. (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۵۴-۲۵۵)؛ (کولیور رایس، ۱۳۶۶: ۷۸ و ۱۰۶)؛ (موزر ۱۳۵۶: ۲۱۸). صرف نظر از دختران و پسرانی که والدینشان برای آنان از بین دوستان و بستگان نامزدی انتخاب می‌کردند، بیشتر ازدواج‌های مردم شهر به‌ویژه طبقه متوسط در اثر وساطت زنان پیری که به آن‌ها دلاله می‌گفتند و معمولاً هیچ‌کاره دیگری جز این نداشتند، صورت می‌گرفت. دلاله‌ها در کار خود مهارت و تخصص داشتند.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

آنان می دانستند که برای فلان پسر چگونه دختری مناسب است و برای پیدا کردن او به هر خانه‌ای که در آن دختری بود، سر می‌زدند (دالمانی، ۱۳۲۵: ۲۵۵)، (دروویل، ۱۳۴۸: ۱۰۷)، (ویلس، ۱۳۶۶: ۱۰۶) (ویشارد، ۱۳۶۵: ۲۱۳).

۷-۲- نامزدی

از جمله اولین اقدامات که پس از رضایت دختر و پسر یا خانواده‌های آن‌ها بایستی انجام می‌شد مراسم نامزدی بود. به این ترتیب که پس از توافق اولیه و دیدار خانواده، پسر با دختر در روز و قراری دیگر، خانواده‌ی داماد به خانه‌ی عروس می‌رفتند و با والدین وی دیدار و درباره‌ی مسائل مادی ازدواج گفتگو می‌کردند و قرارومدار می‌گذاشتند. خانواده داماد معمولاً تعهد می‌کردند که مبلغی به‌عنوان شیربها به پدر و مادر عروس بپردازند و صرف خرید لوازم زندگی زن و شوهر آینده می‌کردند. مبلغ شیربها نیز بسته به سخاوت و توانایی مالی والدین داماد یا خود او متفاوت بود (دالمانی، ۱۳۲۵: ۲۵۴ و ۲۵۸)، (گوبینو، ۱۳۶۷: ۴۰۶-۴۰۵). درباره مبلغ شیربها و میزان دقیق آن نظر دقیق و مشخصی ارائه نشده است و به تغییر مبلغ و افزایش تدریجی آن اشاره دارند، چنان‌که تنها در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه به فاصله‌ی چند سال از سی تا پانصد تومان بوده است (گوبینو، ۱۳۶۷: ۴۰۶)، (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۴۱-۱۴۲). یکی از سفرنامه نویسان مدعی است که در ایران پدر، دختر خود را به همسری هر کس که "تنخواه" بیش‌تری می‌داد، درمی‌آورد و درواقع، وی را می‌فروخت. (موزر، ۱۳۵۶: ۲۱۸ و ۲۶۸).

در روز بله‌بران و یا نامزدی در مورد خرید جهیزیه و وسایل خانه عروس نیز صحبت می‌کردند. معمولاً برای خرید، خواهرشوهر، عمه شوهر و خاله شوهر از طرف داماد و از طرف عروس هم همین افراد انتخاب می‌شدند. بعلاوه این یکی دو مرد برای خرید انتخاب می‌شدند و در ضمن مادرهای هیچ‌یک از طرفی یعنی نه مادر داماد و نه مادر عروس حق نظر دادن در جهیزیه عروس را ندارد. البته جهیزیه عروس طوری تهیه می‌شد که در توان پدر عروس باشد و هر چه که جهیزیه مفصل‌تر بود شأن و منزلت عروس بالاتر می‌رفت. ناگفته نماند "در خانواده‌های مرفه، پدر دختر مبلغ سی تومان از نامزد مطالبه می‌کرد، که صرف خرید جهیزیه می‌شد (گوبینو، ۱۳۸۳: ۳۱۰).

۷-۳- عقد و عروسی

مراسم عقد در روز سعد و در خانه‌ی دختر برگزار می‌شد. به باور مردم ساعت عقدکنان در خوشبختی، بدبختی زن و شوهر تأثیر زیادی داشت، از این رو می‌بایست توسط منجم در تقویم رسمی پیش‌بینی گردید. بعد از خرید عروسی و مراسم نامزدی (بله‌بران) آمادگی برای عقد بود که از جانب داماد به خانه عروس می‌رسید و این روز و ساعتی مبارک بود که دو طرف دیده و در آن توافق به عمل آمده بود و نیز تهیه وسایل عقد بود. بنا بر قراردادهایی که به عهده هر یک از طرفین که گذاشته بود از صبح آن روز در خانه عروس جنب‌وجوش کارهای عقد شروع می‌شد.

پس از اینکه مراحل عقد انجام شد عقدنامه‌ای نوشته می‌شود که این "عقدنامه تنها یک برگه و آن هم در دست خانواده عروس باقی می‌ماند که شب عروسی با تحویل گرفتن آن عروس را تسلیم می‌کردند و نسخه تائی نداشت و جز امضای عاقد امضای دیگری در پای آن قرار نمی‌گرفت" (شهری، ۱۳۷۱، ج سوم: ۱۰۷). چون کمتر پیدا می‌شد دختر و پسری دارای سواد خواندن و نوشتن

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

باشد، که بتوانند پای عقدنامه خود را امضاء نمایند و دیگری اینکه رسم نبود که جز آقا (عاقده) دیگر مهر و امضاء پای کاغذ بگذارند. از آنکه چه مهر و امضایی می‌توانست معتبرتر از مهر و امضای آقا باشد که معاملات بزرگ باغ و ده و مستغلات با همان صورت می‌گرفت مگر در صورت وصلت‌های بزرگان که مهر اولیای عروس و داماد و چند ریش‌سفید خانواده زیر مهر عاقده نخورد. روز اول عروسی (حنابندان) دختران جوانی که از دوستان و بستگان عروس بودند، از سوی داماد مقداری حنا برای رنگ کردن موها و دست و پای عروس می‌آوردند و او را تا حمام همراهی می‌نمود. مراسم به این قرار بود که از طرف خانواده عروس البته یکی از زنانی که سفیدبخت بوده حنا خریداری می‌شد و از صبح زود روز حنابندان قوم‌و‌خویش‌ها از دو طرف یعنی از طرف داماد و هم از طرف عروس به خانه پدر عروس وارد شده و حتی صبحانه را هم در خانه پدر عروس می‌خوردند. در آن روز دیگ بزرگ آش رشته‌ای بار گذاشته می‌شد و هم‌بازی‌ها، همسایه‌های عروس و اگر عروس به مکتب رفته بود هم‌درسی‌ها، هم شاگردی‌ها، دخترعموها، دختردایی‌ها و دخترعمه‌ها دعوت می‌شدند و پس از بزنبوکوب و رقص و شادی و نشاط و صرف ناهار که همان صرف آش رشته باشد که آش را باید حتماً باید با نعلبکی بخورد و مثل آب سر بکشند که خدا سر رشته چنان بختی را به آنان داده این چنین روزی را هم قسمت آن‌ها بکند. سپس اتاقی را مطابق جمعیت برای حنابندان اختصاصی داده، "لنگ‌های قرمزی روی فرش‌ها گسترده، عروس را بالای اتاق و دیگران را دورتادور نشاند، حنابند لگن مسی بزرگی را که در آن حنا خیسانده یا طبق بعضی رسوم از خانه داماد به سر گرفته آورده بود" (شهری، ۱۳۷۱، ج سوم: ۷۶، ۷۷).

۷-۴- مهریه

در جامعه عهد قاجار، فاصله چندانی بین کودکی و ازدواج دختران وجود نداشت. دختران اغلب از هفت تا سیزده‌سالگی ازدواج می‌کردند. عواملی چون دستیابی به استقلال اقتصادی، رشد سریع دختران در آن روز و پایین بودن میانگین عمر به دلیل شیوع بیماری در افزایش این ازدواج‌های زودرس مؤثر بود. دختران و پسران هیچ‌گونه اختیاری در برگزیدن همسر آینده خود نداشتند. رایج‌ترین شکل ازدواج عقد دائم بود.

از اواسط عهد قاجار خانواده‌های ایرانی ترجیح دادند به جای شیربهای نقد، مهر دخترشان را بالا ببرند. این که یکی از اهمیت شیربها کم و مهریه در ایران خیلی مهم شد را باید در تاریخ دوره قاجار پیدا کرد. دوره‌ای که مردم از دو جهت در حال تغییر بودند؛ یکی آشنایی بیشتر با اصل دین به دلیل گسترش سواد و زیاد شدن تعداد روحانیون مطلع و دوم آشنایی ایرانیان با فرهنگ‌های غیرایرانی و ارتباط با مردمان عثمانی، عراق عرب و حتی غرب. زمانی که حرف‌ها تمام‌شده و سر همه چیز به توافق رسیده‌اند.

۷-۵- چندهمسری، ازدواج موقت و طلاق

مطالبی که پیش‌ازین آمد درباره مراسم ازدواج و عروسی خانواده‌ها بود که عمدتاً خانواده‌ها تک‌همسری بودند و به جز تک‌همسری اشکال زیر از خانواده و ازدواج چندهمسری نیز وجود داشت اصولاً قرآن اجازه می‌دهد که یک مرد همزمان تا چهار همسر عقدی اختیار کند، به شرطی که میانشان با برابری رفتار نماید و آن‌ها خشنود نگاه دارد، از این‌رو در دوره قاجار گر چه به دلیل مشکلات اقتصادی و مسائل دیگر اصل با تک‌همسری بود، ولی چندهمسری نیز به‌ویژه در اوایل این دوره و بین اعیان و اشراف و ثروتمندان

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

رواج داشت. تنها وقتی مردی بنا بر سودجویی یا مصلحت یا هر دلیل دیگری همسری از خانواده قاجار اختیار می کرد، ملزم می شد که تجدید فراش نکند و حتی گاه چنان که خواهد آمد، ناچار می شد سایر زنان خود را هم طلاق بدهد. (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۵۰، ۹۳، ۲۷۶)، (بروگش، ۱۳۶۸: ۲۰۱-۲۰۰)، (بلوشر، ۱۳۶۹: ۱۸۲)، (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۴۶-۱۴۸)، (کولیور رایس، ۱۳۶۶: ۷۸، ۹۰، ۱۴۹)، (شیل، ۱۳۶۲: ۸۶)، (فلاندن، ۱۳۵۶: ۳۴۰)، (گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۴۶-۱۴۸)، (ماساهارو، ۱۳۷۳: ۲۱۶)، (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۲۱-۱۲۲).

علاوه بر همسران قانونی که قرآن اجازه داده است، مردان شیعه مذهب می توانند به طور موقت نیز ازدواج کنند و تعداد بی شماری زن صیغه داشته باشند. (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۴۸)، (شیل، ۱۳۶۲: ۸۶)، (کولیور رایس، ۱۳۶۶: ۹۰)، (موزر، ۱۳۵۶: ۲۱۸). هر چند امروزه این امر کمتر به چشم می خورد، ولی در دوره ی قاجار در سراسر ایران به ویژه در شهرهای رایج بود زنانی که صیغه می شوند. باید پیرو یکی از ادیان چهارگانه، یعنی اسلام، مسیحیت، یهودی و زرتشت باشند. به هر حال، در دوره ی مورد بحث زنان صیغه بیش تر از طبقه ی فرودست جامعه بودند و اغلب به خاطر فقر به این کار تن می دادند. چراکه مختصر وجهی که یک زن صیغه به عنوان مهر از شوهر موقتی خود دریافت می کرد، برای وی قابل توجه می نمود (شیل، ۱۳۶۲: ۸۶)، (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۶۸). چنان که گفته می شود در خانواده های فقیر و کم درآمد والدین با رضایت، دخترانشان را به ازدواج موقت وامی داشتند تا دارا، ندار، مسافران، زوار و کسانی که از ازدواج دائم می ترسیدند، افرادی که همسرانشان بیمار بودند، جوانانی که نامزد هایشان به سن بلوغ نرسیده بودند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۶۸)، (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۴۷)، (موزر، ۱۳۵۶: ۲۱۸)، (ماساهارو، ۱۳۷۳: ۲۱۶).

مراسم ازدواج موقت مختصر و کم خرج بود و این خود موجب رواج این امر می شد. به هر حال، وکلای دو طرف بر سر مبلغی که مرد می بایست به زن بپردازد، توافق می کردند، سپس صیغه را جاری و قرارداد کتبی را امضا می نمودند. غیر از مسئله چند همسری و صیغه، به طور کلی وضعیت زن ایرانی در خانواده چندان مناسب نبود، چراکه می بایست هم چون کنیزی که تابع اراده ی مالک خود بود مطیع اوامر شوهرش باشد، در غیر این صورت و با کم تریم بی احترامی به آقای خود به شدت تنبیه می شد و اغلب با چوب و شلاق کتک می خورد، در واقع زن جزئی از دارایی شوهر به شمار می رفت و شوهر می توانست هر طور که می خواهد با او رفتار نماید. حتی گاه حس خودخواهی مردان خوش اخلاق را نیز وامی داشت تا نسبت به همسرانشان با خشونت رفتار کنند و چنان چه به آنان اعتراضی می شد، پاسخ می دادند «زن است و ناقص العقل، شایسته احترام نیست».

به همه ی مشکلات زنان، مسئله طلاق را نیز باید افزود. در دوره قاجار، مرد مسلمان طبق قوانین مذهبی اجازه داشت هر وقت بخواهد زن خود را طلاق دهد، ولی گفته می شود این کار به نسبت کم تر صورت می گرفت، چراکه به هنگام طلاق مرد ناچار بود که مهریه و جهیزیه زن را به او بدهد. هم چنین زن وسایل جواهراتی را که مرد بیش تر به وی داده بود، با خود می برد، علاوه بر این، فرزندان طلاق در همه ی موارد و بدون توجه به جنسیت نزد مرد می ماندند و وظیفه و مخارج نگهداری آن ها به عهده ی او بود. از سوی دیگر ازدواج مجدد برای مرد هزینه های بسیار در برداشت. به هر روی، در آن دوره نیز طلاق مانند امروز بر دو قسم بود: رجعی و قطعی. در طلاق رجعی مرد می توانست بار دیگر با همسر سابقش ازدواج کند، اما در طلاق قطعی که زن به اصطلاح سه طلاقه می شد، مرد نمی توانست دوباره با وی پیوند زناشویی ببندد، مگر اینکه زن با مرد دیگر ازدواج می کرد و از او طلاق می گرفت و دوباره به عقد شوهر اولش درمی آمد.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

در این گونه موارد برای این ظاهر قانونی حفظ شود، معمولاً کسی را پیدا می کردند که با زن به طور صوری ازدواج کند و چند روزی نقش شوهر را به عهده بگیرد و بعد زن را طلاق بدهد. (دالمانی ۱۳۳۵: ۲۶۹-۲۷۰)، (اورسل، ۱۳۵۳: ۲۴۵)، (بن تان، ۱۳۴۵: ۱۰۸)، (پولاک، ۱۵۲: ۱۳۶۱-۱۵۱)، (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۳۲)، (دروویل، ۱۳۴۸: ۱۱۴-۱۱۳)، (فلاندن، ۱۳۵۶: ۳۴۰). چنان که ذکر شد، مراسم عروسی و مقدمات آن از دیدگاه سفرنامه نویسان بسیار جالب و مورد توجه بوده است.

۸- بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی ضمن مطالعه و استفاده از سفرنامه های موجود به مراحل مختلف ازدواج و تشکیل خانواده که از نظر سیاحان اروپایی در دوره قاجار جالب توجه بود پرداخته شده است. با انجام این مطالعه نتایج زیر حاصل شده است:

- به نظر می رسد اغلب سیاحان اروپایی پس از دیدار از ایران و مشاهده آداب و رسوم ایرانیان به مقایسه و ارزیابی این آداب و رسوم در بین مردم ایران و مردم کشورهای خودت دست زده اند. و عمدتاً با دیدی اروپایی تا حدی انتقادی نسبت به آداب و رسوم ایرانیان در باب ازدواج و تشکیل خانواده نگرسته اند.

- از این رو در نظر سیاحان اروپایی، چیزی شگفت انگیزتر از وضع عروسی ایرانیان و همچنین آداب و رسوم قبل از عروسی نبوده است، و به همین دلیل نسبت به شرح و توصیف مراسم عروسی به شکل مفصل پرداخته اند، زیرا در کشورهای اروپایی و محل زندگی آنان چنین آداب و رسوم و مراسمی وجود نداشت، و مراسمی همچون، خواستگاری، نامزدی، مهریه، جهیزیه بران، بله بران، حنا بندان ... و رسومی از این دسته که در مناطق مختلف شهرها، روستاها، ایلات وجود داشته است و به شدت مورد توجه قرار گرفته و در سفرنامه ها منعکس شده است.

- همچنین سن ازدواج نسبت های فامیلی بین آن ها که در اروپا وجود نداشت یا کمتر دیده می شود. از جمله مواردی است که توجه سیاحان خارجی را به خود جلب کرده است. شکل خانواده، به ویژه چند همسری و تک همسری و همچنین پایین بودن میزان و آمار طلاق از جمله مواردی بود که مورد توجه سفرنامه نویسان خارجی قرار گرفته است.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

فهرست منابع

1. سپنجی، امیرعبدالرضا. (۱۳۸۸)، فرهنگ عمومی و ارتباطات اجتماعی ایرانیان از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی در دوران قاجاریه و پهلوی، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره هفتم، پاییز
2. شیل، لیدی (۱۳۶۲)، خطرات لیدی شیل، حسین ابو ترابیان، تهران، نشر نو
3. محرمی، حامد. (۱۳۸۹)، فرهنگ ایران در سفرنامه‌های اروپایی دوره قاجار، شیراز: نوید.
4. رایس، کلارا کولیور، (۱۳۶۶)، زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، اسدالله آزاد، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی
5. سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، سفرنامه مادام کارلا سرنا، آدم ها و آیین ها در ایران، علی اصغر سعیدی، بی جا، کتابفروشی زوار
6. اولیویه، جی. ج. (۱۳۷۰)، سفرنامه اولیویه، ترجمه محمد طاهر میرزا، به تصحیح غلامرضا و رهرام، تهران، انتشارات زوار
7. دروویل، گاسپار، (۱۳۷۰)، سفرنامه در ایران، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، چاپ چهارم، تهران، نشر شبانویز
8. بروگش، ه. (۱۳۶۷)، سفری به دربار صاحبقران، ترجمه کردبچه ج. ۲، تهران: اطلاعات
9. بیوشوپ، ایزابلا، (۱۳۷۵)، از بیستون تا زرد کوه بختیاری، ترجمه مهرباب امیری، تهران، نشر سهند ون شر انزان
10. مکین روز، الیزابت، (۱۳۵۶)، با من به سرزمین بختیاری بیانید، ترجمه مهرباب امیری، تهران، نشر انزان
11. پولاک، یاکوبا دوارد، (۱۳۶۸) سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی
12. دالمانی، هانزی، (۱۳۲۵) سفرنامه، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، تهران، ترجمه فره وشى ه، نشر ابن سینا و امیرکبیر
13. ملک پور، جمشید، (۱۳۸۶)، ادبیات نمایشی در ایران، تهران، نشر توس.
14. دیولافوا، ژان، (۱۳۶۴)، سفرنامه مادام دیولافوا "ایران وکلده" ترجمه فره وشى، تهران، انتشارات خیام
15. دالمانی، هانزی رنه، (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه فره وشى، تهران، انتشارات امیرکبیر
16. موزر، هنری، (۱۳۵۶)، سفرنامه‌های کستانوایران "گذریدراسیایمركزی"، ترجمه علی مترجم گلین، تهران، انتشارات سحر
17. دروویل، (۱۳۴۸)، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محیی، تهران، گوتمبرگ
18. ویلس، چالز جیمز، (۱۳۶۶)، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه سیدعبدالله به کوشش جمشید، چاپ دوم، تهران، نشر طلوع، تهران.
19. ویشارد، جان، (۱۳۶۵)، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران، انتشارات نوین
20. گوبینو، ژوزف ارتور، سفرنامه کنت دوگو بینو سه سال در اسیا "۱۸۵۸-۱۸۵۸" ترجمه مهدوی، تهران، نشر کتابسرا
21. شهری، جعفر (۱۳۷۸)، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، زندگی، کسب و کار، ج اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات دارینه
22. بلوشر، ویپرت، (۱۳۶۹)، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی
23. پولاک، یاکوبا دوارد، (۱۳۶۸) سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی
24. فلاندن، اوژن، (۱۳۲۴) سفرنامه اوژن فلاندن به ایران در سال ۱۸۴۰-۱۸۴۱، ترجمه حسین نورصادقی، بیجا، انتشارات زوار
25. ماساهارو، یوشیدا، (۱۳۷۳)، سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ترجمه هاشم رجب زاده، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
26. ویلسن، ارنولد، (۱۳۶۶)، سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران، ترجمه حسین سیاحی، تهران، انتشارات زوار
27. اورسل، ارنست، (۱۳۵۳)، سفرنامه اورسل، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات زوار
28. بن تان، اگوست (۱۳۴۵)، سفرنامه بن تان، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران، چاپخانه سپهر